

اثر آموزش و بعد خانوار بر احتمال خروج از فقر در مناطق شهری ایران در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸

زهرا علمی*، فهیمه علی تبار**

مقدمه: یکی از مباحث اخیر در تحقیقات توسعه، بررسی علل فقر و سیاست‌های کاهش آن است. برای ریشه‌کنی فقر از جامعه نیاز است که اطلاع نسبتاً کاملی از پدیده فقر و عوامل اثرگذار بر آن داشته باشیم.

روش: مطالعه حاضر با استفاده از داده‌های طرح هزینه - درآمد خانوار مرکز آمار ایران در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸، ابتدا با روش ۶۶ درصد میانگین هزینه سرانه خانوار، خط فقر را محاسبه و براساس آن خانوار فقیر را شناسایی می‌نماید و سپس با به‌کارگیری مدل لاجیت و روش برآورد حداکثر درست‌نمایی به بررسی عوامل مؤثر بر فقر در مناطق شهری ایران می‌پردازد.

یافته‌ها: برای هر دو سال مورد بررسی، افزایش بعد خانوار، زن سرپرست بودن و سکونت در شرق، غرب و شمال کشور احتمال قرارگیری در فقر را افزایش می‌دهد، درحالی‌که افزایش سال‌های آموزش، مالک بودن و سکونت در جنوب باعث کاهش فقر در مناطق شهری کشور می‌شود.

نتایج: از نتایج این تحقیق این‌که دولت در سیاست‌گذاری‌های کاهش فقر، باید به افراد مسن سرپرست خانوار به خصوص زنان توجه ویژه داشته باشد.

طبقه‌بندی JEL: I32, R20, O12

کلیدواژه‌ها: فقر در مناطق شهری ایران، مدل لاجیت، روش ۶۶ درصد میانگین

هزینه سرانه خانوار، داده‌های هزینه - درآمد خانوار.

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۱/۷/۱

* دکتر اقتصاد، دانشگاه مازندران <z.elmi@umz.ac.ir> (نویسنده مسئول)

** کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه مازندران

مقدمه

فقر قوی‌ترین و شایع‌ترین مصیبت بشر است (گالبرایت، ۳۴: ۱۳۶۹). پدیده نامطلوبی که جامعه انسانی را گرفتار خود ساخته است. بشر از گذشته تاکنون در صدد از بین بردن آن بوده، اما هنوز نتوانسته است این معضل را از جامعه ریشه‌کن سازد.

پدیده فقر پدیده‌ای مقطعی نیست و هم‌زمانی فقر و غنا در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، نتیجه تدریجی عملکرد نظام‌های حاکم در طول تاریخ است. بنابراین نابودی آن هم به یکباره و در مدت زمان محدود، میسر نخواهد بود. در حقیقت امحای فقر به یک برنامه بلندمدت و مستمر نیاز دارد. هرچند پیش‌درآمد آن شناسایی عوامل اثرگذار بر فقر است.

به منظور جلوگیری از توسعه فقر، نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای، اقدامات نمادین و عملی را در پیش گرفتند. برای مثال، سازمان ملل متحد، دهه ۲۰۰۶-۱۹۹۷ را دهه ریشه‌کنی فقر نام نهاد. بانک جهانی برای تحقق دنیای رها از فقر، جهانیان را به اقدام مؤثر و برخورداری عمومی از بهداشت، مسکن و آموزش دعوت نموده است. در همین راستا، در سال ۱۹۹۶، سازمان توسعه همکاری اقتصادی هدف‌گذاری کرد که از طریق مشارکت جهانی، تا سال ۲۰۱۵، نیمی از افرادی که فقیر هستند از شرایط فقر خارج شوند. این اقدامات در بسیاری از مناطق جهان با موفقیت مواجه شد. در ایران نیز برای مبارزه با فقر پیش‌بینی‌هایی صورت گرفته و چندین بار لایحه فقر زدایی تهیه و تنظیم شده است. اما متأسفانه این اقدامات نتایج چندین رضایت‌بخشی به همراه نداشته است (ارضروم چیلر، ۱۳۸۴).

نامطلوبی فقر و لزوم اطلاع از عوامل مؤثر بر آن جهت دستیابی به سیاست‌های موفق فقرزدایی، ضرورت انجام مطالعاتی در این زمینه را آشکار می‌سازد. از این رو مقاله حاضر به منظور بررسی تأثیر دو عامل مهم آموزش و بعد خانوار بر احتمال خروج از فقر در مناطق شهری ایران در چند بخش تدوین شده است. پس از طرح مسئله، در چارچوب نظری تحقیق به تعریف مفاهیم فقر و مطالعات تجربی انجام شده در این زمینه در داخل و خارج

از کشور می‌پردازیم. سپس به توصیف داده‌ها خواهیم پرداخت. بخش بعد مربوط به روش‌شناسی و برآورد الگوست. سرانجام پایان بخش، نتیجه‌گیری و پیشنهادات است.

چارچوب نظری تحقیق

فقر

تعاریف متفاوتی از فقر صورت گرفته است. تانسنند (Townsend, 1985)، معتقد است که افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی، مواجه باشند. فقر - در معادل‌های فارسی آن «نداری و بی‌چیزی» - از نوعی ناتوانی در به‌دست‌آوردن یا نگاه‌داشتن امکانات مادی لازم برای معیشت سرچشمه می‌گیرد. این ناتوانی ممکن است از فقدان استعدادهای جسمی و روانی - به صورت موقت و دائم - یا از فراهم نبودن شرایط اجتماعی و اقتصادی لازم برای استفاده از استعدادها و منابع موجود ناشی شود (مهریار، ۱۳۷۳). اما همان‌طور که سن (Sen, 1983) اشاره کرده، همه این تعاریف به نوعی محرومیت اشاره دارد. این درحالی است که مفهوم محرومیت یک مفهوم اجتماعی و نسبی است و براساس هنجارهایی تعریف می‌شود که ممکن است در طی زمان‌ها و مکان‌های مختلف کاملاً با هم فرق داشته باشند.

فقر مطلق^۱

از نظر راونتری (Rowentree, 1901)، منظور از فقر مطلق ناتوانی در کسب حداقل نیازهایی است که برای حفظ زندگی لازم است. طبق مهریار (۱۳۷۳)، فقر مطلق از محرومیت یا ناتوانی فرد در کسب حداقل لوازم معاش^۲ و ارضای نیازهای اساسی^۳ سرچشمه می‌گیرد. حداقل معاش مفهومی است که تعریف واحدی برای آن وجود ندارد و

1- absolute poverty

2- minimal standards of living

3- basic necessities

از یک کشور به کشور دیگر تغییر می‌یابد. با این وجود معمولاً نیاز به مسکن، لباس و غذا به عنوان نیازهای اساسی در نظر گرفته می‌شوند. این تعریف در اصل با توجه به نیازهای غذایی افراد با معیار کالری مورد نیاز بیان می‌شود.

فقر نسبی^۱

گیوانی (Giavani, 2005)، عقیده دارد که فقر نسبی در مواردی مصداق دارد که سطح زندگی فرد نسبت به متوسط شرایط درآمدی جامعه، وضعیت مناسبی نداشته باشد. به عبارتی، فقر نسبی به عنوان ناتوانی در احراز یک سطح معیشت معمولی^۲ که در جامعه فعلی فرد لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف شده است (مهریار، ۱۳۷۳). براساس این تعریف، فقر به طور اساسی پدیده‌ای از نابرابری در جامعه است. هر دو مفهوم فقر مطلق و فقر نسبی به منظور سنجش فقر مورد استفاده قرار می‌گیرند و اجماع کلی و صریحی مبنی بر این که کدام یک از این دو مفهوم مناسب‌تر از دیگری است وجود ندارد.

خط فقر^۳

به عقیده راولیون (Ravallion, 1998)، خط فقر عبارت است از مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقل رفاه متحمل می‌شود. افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند فقیر تلقی می‌شوند و کسانی که به این سطح حداقل رفاه دسترسی دارند، غیر فقیر می‌باشند. بسته به این که در تعریف فقر مفهوم مطلق یا نسبی در نظر گرفته شود، آستانه‌ای تعریف می‌شود که مرز بین فقیران و سایر افراد جامعه را مشخص می‌کند. این آستانه خط فقر نامیده می‌شود (ارضروم چیلر، ۱۳۸۴).

1- relative poverty

2- standard of living

3- poverty line

خانوار

بر اساس تعریف مرکز آمار ایران، «خانوار» از چند نفر تشکیل می‌شود که با هم در یک اقامت‌گاه زندگی کرده، با یکدیگر هم‌خرج بوده و معمولاً با هم غذا می‌خورند. بنابراین لازم نیست که اعضای خانوار با هم رابطه خویشاوندی داشته باشند. به عبارتی «خانوار» لزوماً با «خانواده» یکسان نیست.

مرور برخی از مطالعات انجام گرفته در دو دهه اخیر

مسئله فقر از دیرباز مورد توجه همه جوامع و مکاتب فکری و سیاست‌گذاران کلان کشورها و اندیشمندان حوزه علوم اقتصادی و اجتماعی بوده است. در این مقاله برخی از مطالعاتی که در دو دهه اخیر در این زمینه در داخل و خارج از کشور صورت گرفته را به طور اجمال ارائه می‌نماییم.

مطالعات خارجی

سوها تو (Sohotu, 1990)، در مقاله «تئوری و سیاست فقر» وضعیت فقر و عوامل مؤثر بر آن را در پاناما مورد بررسی قرار داد. ایشان با استفاده از مدل لاجیت در دوره ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ شدت تأثیرگذاری ویژگی‌های خانوار فقیر جامعه، شامل ساختار درآمدی، ساختار خانواده، سن سرپرست خانوار، وضعیت باروری، درصد برخورداری خانوار فقیر از نظام تأمین اجتماعی، وضعیت اشتغال، سطح آموزش و وضعیت مسکن خانوارهای فقیر را اندازه‌گیری نموده است.

گازوانی و گواید (Ghazouani and Goaid, 2001)، در مقاله «تعیین کننده‌های فقر شهری و روستایی در تونس» وضعیت فقر ۷۷۳۴ خانوار در سال ۱۹۹۰ را مورد بررسی قرار دادند. ایشان با استفاده از مدل‌های لاجیت و پروبیت به بررسی عوامل مؤثر بر فقر در مناطق شهری و روستایی پرداختند. نتایج نشان داد که در هر دو منطقه شهری و روستایی

عوامل اصلی اثرگذار بر فقر شامل آموزش، نسبت وابستگی فرزند، نسبت شاغلین زن و مرد در خانواده هستند. آموزش بیش تر توسط افراد و نسبت بزرگتر شاغلین مرد و زن در خانواده احتمال قرارگیری در دایره فقر را کاهش می دهد.

اوکورات و همکاران (Okurut, 2002)، در مقاله خود با عنوان «تعیین کننده های فقر منطقه ای در اوگاندا» به برآورد خط فقر منطقه ای و ملی پرداختند. با استفاده از داده های هزینه - درآمد خانوار در سال ۱۹۹۲ و با استفاده از روش فوستر، گریر و توربک^۱، خط فقر و شاخص فقر را مورد مقایسه قرار دادند. هم چنین برای تعیین عوامل مؤثر بر فقر از مدل لاجستیک استفاده کردند. نتایج نشان داد که سطح آموزش، اندازه خانوار و وضعیت مهاجرت از عوامل تأثیرگذار بر فقر خانوار به شمار می روند.

لانجائو و راولیون (Lanjouw and Ravallion, 1995)، در مقاله ای با عنوان «فقر و اندازه خانوار» به بررسی رابطه بین بعد خانوار و فقر آنان پرداختند. مطالعه وضعیت ۴۷۹۴ خانوار پاکستانی در دوره ۱۹۸۶-۱۹۹۱ نشان داد که رابطه منفی قوی بین اندازه خانوار و هزینه سرانه خانوار وجود دارد. بنابراین بر بعد خانوار به عنوان عامل فقر تأکید نمودند.

مالیک (Malik, 1996)، در بررسی عوامل مؤثر بر فقر روستایی در پاکستان، ۱۰۰ خانوار در روستای پنجاب را در سال ۱۹۹۰ بررسی نموده است. براساس نتایج این مطالعه، خانوارهایی که دارای مالکیت زمین بیش تر، نرخ وابستگی کم تر، نرخ مشارکت و سطح آموزش بالاتر هستند به احتمال قوی خارج از محدوده فقر قرار می گیرند.

گیدا و همکاران (Geda, 2005)، در مقاله «تعیین کننده های فقر در کنیا، تحلیل در سطح خانوار» با استفاده از داده های خانوار در سال ۱۹۹۴، به بررسی تعیین کننده های فقر با استفاده از مدل لاجیت پرداختند. این مطالعه نشان می دهد که در مناطق شهری، وضعیت فقر با سطح آموزش و بعد خانوار در ارتباط است در حالی که در مناطق روستایی، اشتغال

1- Foster Greer and Thorbeck

در بخش کشاورزی را می‌توان به این عوامل افزود.

موک و همکاران (Mok, 2007)، در مقاله‌ای با عنوان «تعیین‌کننده فقر خانوار شهری در مالزی» با استفاده از مدل لاجیت، به بررسی عوامل اثرگذار بر فقر خانوار شهری در مالزی پرداختند. خط فقر در مالزی بر پایه هزینه‌های مصرفی محاسبه شد. بنابراین برای برآورد مدل از داده‌های هزینه مصرفی ۲۴۰۳ خانوار شهری در سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ کمک گرفته شد. براساس نتایج، اندازه، نژاد و ناحیه زندگی از عوامل تعیین‌کننده فقر درآمدی در خانوار شهری مالزی است. همچنین آموزش، تعداد فرزند، تعداد فرزند بالغ پسر، تعداد افراد سال خورده و محل زندگی، از عوامل اثرگذار در انتقال خانوارها به داخل یا خارج از فقر است.

آچیا و همکاران (Achia, 2010)، مقاله‌ای را تحت عنوان «یک مدل رگرسیون لجستیک برای تعیین عوامل کلیدی فقر با استفاده از داده‌های دموگرافیک» نگاشته‌اند. در این مقاله با استفاده از مدل لاجیت به بررسی عوامل مؤثر بر فقر ۴۰۰ خانوار شهری و روستایی کنیا در سال ۲۰۰۳ پرداختند. نتایج نشان داد که افزایش آموزش اثر مهمی را روی احتمال خروج از فقر دارد. همچنین برای یک خانوار روستایی احتمال قرارگیری در فقر بیش از یک خانوار شهری است. سن سرپرست خانوار، اندازه خانوار و تعداد احشام از دیگر عواملی بودند که بر احتمال قرارگیری خانوار روستایی در فقر مؤثر بوده‌اند.

یاسین و همکاران (Yassin, 2010)، به بررسی وضعیت فقر در سودان جنوبی پرداختند. در این مطالعه متغیرهایی مانند تحصیلات، وضع زناشویی سرپرست خانوار، اندازه خانوار، زن سرپرست بودن خانوار و نوع شغل مدنظر بوده است. نتایج نشان داد که تحصیلات متوسطه، سرپرست خانوار طلاق گرفته و زن سرپرست بودن خانوار تعیین‌کننده‌های اصلی فقر خانوارهای شهری هستند. از سوی دیگر تحصیلات دانشگاهی، سرپرست خانوار ازدواج کرده، اندازه خانوار و زن سرپرست بودن خانوار از جمله عوامل اثرگذار بر فقر در منطقه روستایی هستند.

مالیک و همکاران (Malik, 2012)، با استفاده از مدل لاجیت و ریزداده‌های خانوار عوامل تعیین کننده فقر روستایی پاکستان را بررسی نمودند. در این بررسی، تعداد افراد دارای درآمد در خانوار، فرزندان در فاصله سنی ۶ تا ۱۷ سال، تعداد اتاق‌های موجود، تعداد افرادی که در هر اتاق زندگی می‌کنند، تعداد زن ۱۸ سال و به بالا در خانوار، تعداد مرد ۱۸ سال و به بالا در خانوار، سرانه درآمد خانوار، دستیابی به آب سالم از متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی اثرگذار بر فقر بوده است.

مطالعات داخلی

مطالعات زیادی در زمینه فقر برای کشور ایران انجام گرفته است. به عنوان نمونه پژوهش **پژویان (۱۳۷۵)**، در مقاله «فقر، خط فقر و کاهش فقر» به مقوله فقر و توزیع درآمد و سپس به محاسبه خط فقر می‌پردازد.

پیران (۱۳۷۵)، در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به فقر و فقرزدایی» مروری گذرا به مفهوم فقر داشته و ابعاد گوناگون فقر را مورد تحلیل قرار می‌دهد.

آسایش (۱۳۷۶)، در مقاله‌ای با عنوان «فقر و راهبردهایی برای کاهش آن» ابتدا تعریفی از فقر و پیامدهای فقر ارائه داده و سپس به توضیح عوامل مؤثر بر این پدیده می‌پردازد.

پروین (۱۳۷۶)، در مقاله «علل و ریشه‌های فقر» عوامل وقوع فقر را مورد کنکاش قرار می‌دهد. نگارنده پایین بودن درآمد و نابرابری توزیع درآمد را به عنوان دو علت عمده در مورد وقوع فقر بیان می‌کند.

علی حسن‌زاده (۱۳۷۹)، در مقاله خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر فقر» براساس یک الگوی اقتصادسنجی سعی در شناسایی عوامل مؤثر بر فقر در ایران و اندازه‌گیری شدت تأثیرگذاری هر یک از این عوامل نموده است. نتایجی که از این مطالعه به دست آمده این است که سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، اصلاح ساختار توزیع درآمد و ثروت، رشد شهرنشینی و صنعتی شدن مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کاهش فقر در استان‌های کشور است.

صادقی و همکاران (۱۹۹۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تعیین کننده‌های فقر در مناطق روستایی: مطالعه موردی کشاورزان ساوجبلاغ در ایران» با استفاده از داده‌های سال ۱۹۹۸-۹۹ که شامل ۳۵۰ کشاورز ساوجبلاغی بود به بررسی عوامل مؤثر بر فقر در این منطقه پرداختند. ایشان با استفاده از مدل رگرسیون خطی تأثیر متغیرهایی چون تعداد پسران، سن کشاورزان، تجربه، سطح آموزش، نوع تکنولوژی محصولات و مسافت حومه را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که نوع تکنولوژی جاری، بالا رفتن سطح آموزش در کاهش فقر خانوارهای کشاورز مؤثر است.

ازکیا و همکاران (۱۳۸۰)، در مقاله‌ای با عنوان «تعیین کننده‌های اقتصادی - اجتماعی فقر در مناطق روستایی کلاله» با استفاده از روش میانه درآمدی به محاسبه خط فقر در جامعه روستایی مورد مطالعه پرداختند. براساس یافته‌های پژوهش، ۱۵/۷ درصد از ساکنان روستاهای این منطقه زیر خط فقر قرار دارند. در این مقاله عوامل اقتصادی - کشاورزی، عوامل شغلی، روابط اجتماعی و میزان مشارکت از دلایل عمده فقر روستاییان برشمرده شد.

عرب مازار و حسینی‌نژاد (۱۳۸۳)، در مقاله خود «عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی در ایران» با رویکرد غیرمستقیم به نحوه شناسایی فقرا پرداخته است. او با استفاده از یک مدل لاجیت و داده‌های درآمد - هزینه خانوارهای شاغل روستایی کشور در سال ۱۳۷۹، عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی کشور را شناسایی نموده است. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که در میان کشاورزان، افزایش بارتکفل و کاهش دارایی‌های خانوار، نقش زیادی در افزایش شانس فقیر شدن خانوار نسبت به سایر متغیرهای جمعیتی و جغرافیایی ایفا می‌کند.

در گروه شاغلان استخدامی، بی‌سواد بودن سرپرست خانوار و کاهش دارایی، شانس فقیر شدن را برای خانوار افزایش می‌دهد. در میان دارندگان مشاغل آزاد، مهم‌ترین متغیر مؤثر بر فقر خانوار، میزان دارایی‌های خانوار است که به نسبت سایر گروه‌ها از ضریب بالاتری برخوردار است.

خالدی و پرمه (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۷۵-۱۳۸۲)» وضعیت فقر مناطق شهری و روستایی را طی سال‌های مذکور محاسبه کردند. هم‌چنین خط فقر مطلق غذایی خانوار براساس تغذیه مناسب محاسبه شده و در قالب سه روش مختلف، میزان خط فقر مطلق کل خانوار برآورد گردیده است. خط فقر نسبی هم از طریق نصف میانگین هزینه‌های کل (خوراکی و غیر خوراکی) خانوار به دست آمد و میزان آن در سطح فرد به تفکیک مناطق شهری و روستایی برآورد گردید. براساس نتایج:

۱- در مناطق شهری و روستایی طی دوره مورد بررسی، متناسب با افزایش قیمت‌ها، مقادیر خط فقر مطلق (به جز سال ۱۳۷۹ برای مناطق روستایی) و خط فقر نسبی روند صعودی داشته است.

۲- میزان خطوط فقر مطلق و نسبی در مناطق شهری بیش‌تر از مناطق روستایی بوده است.

۳- میزان فقر مطلق خانوارها در مناطق روستایی بالاتر از مناطق شهری بوده است.

۴- میزان فقر نسبی روستایی، برخلاف انتظار، در سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۷۹ بیش از میزان آن در مناطق شهری برآورد شده است.

نجفی و شوشتریان (۱۳۸۶)، در مقاله «برآورد خط فقر، اندازه فقر و بررسی تعیین کننده‌های آن در خانوارهای روستایی و شهری ایران» با هدف بررسی تعیین کننده‌های فقر در ایران، خط فقر در بخش روستایی، شهری و کل کشور را محاسبه و با استفاده از آن، خانوارهای فقیر و غیر فقیر در نمونه‌های مورد مطالعه را مشخص کردند. سپس با استفاده از تخمین مدل به روش پروبیت، نقش هر یک از عوامل تعیین کننده فقر بر احتمال فقیر شدن خانوارها را مورد مطالعه قرار دادند. هم‌چنین در برآورد خط فقر غذایی، از روش تأمین انرژی غذایی بهره گرفته و با استفاده از رگرسیون‌های ناپارامتریک، خطوط فقر غذایی و غیر غذایی را محاسبه نمودند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که فقر در بخش روستایی ابعاد بزرگ‌تری داشته است و از مهم‌ترین تعیین کننده‌های فقر می‌توان به اندازه خانوار و بار تکفل اشاره کرد.

مهربانی (۱۳۸۷)، در مقاله «تأثیر آموزش بر فقر و نابرابری درآمدها» به تأثیر آموزش و مخارج آن به ویژه در زمینه آموزش عالی بر فقر و نابرابری درآمدها از دو بعد پرداخته است. از بعد نظری با رویکرد کینزی نشان داده شد که آموزش از سطح فقر و نابرابری درآمدها می‌کاهد. از بعد تجربی با استفاده از ۱۱۱ مشاهده در مورد ۹۱ کشور با سطوح توسعه انسانی متفاوت، به این نتیجه رسید که نرخ ثبت نام در مقطع دبیرستان دارای رابطه معکوس و معنادار با فقر و نابرابری درآمدهاست و نسبت مخارج آموزشی به GNP نیز از سطح فقر و نابرابری درآمدها به طرز معناداری کاسته است. از دیگر یافته‌های این تحقیق تأثیر منفی و معنادار مخارج آموزش عالی بر فقر و نابرابری درآمدهاست. با این ویژگی که این تأثیر از اثر مخارج آموزشی در مقاطع ابتدایی و دبیرستان بزرگ‌تر است.

محمدزاده و همکاران (۱۳۸۹)، فقر و تعیین کننده‌های آن را در بین خانوارهای شهری ایران مطالعه نمودند. در این مقاله با استفاده از داده‌های طرح هزینه - درآمد خانوارهای شهری کشور طی سال‌های ۱۳۷۳-۸۷ و با به‌کارگیری سیستم مخارج خطی، خط فقر برآورد و شاخص‌های اندازه‌گیری فقر محاسبه شده است. در ادامه با استفاده از مدل پروبیت در سال ۱۳۸۷ به بررسی عوامل تعیین‌کننده فقر در سطح خانوار پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که بیش‌ترین کاهش احتمال فقر خانوارهای شهری مربوط به تحصیلات و جنسیت سرپرست خانوار می‌باشد. همچنین، سن سرپرست خانوار، نسبت تعداد افراد دارای درآمد در خانوار و بعد خانوار نیز در کاهش احتمال فقر خانوارها مؤثر می‌باشند.

توصیف داده‌ها

در این مطالعه، از ریزداده‌های طرح هزینه - درآمد مرکز آمار ایران از خانوار شهری در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ استفاده شده است. خانوارهای شهری مشمول این طرح، در سال ۱۳۸۴ معادل ۱۲۹۲۵ خانوار و در سال ۱۳۸۸ معادل ۱۸۶۶۵ خانوار بوده است. قبل از ارائه مدل و برآورد آن، به منظور ارائه خصوصیات اقتصادی اجتماعی خانوارهای مورد بررسی، ریزداده‌های مرکز آمار ایران مورد پردازش اولیه قرار گرفت که در ادامه به آن می‌پردازیم.

بررسی بعد خانوار، سن، جنس و سطح سواد سرپرست آن

نمونه مورد بررسی در سال ۱۳۸۴ معادل ۱۲۹۲۵ خانوار بوده که از این تعداد ۹۱/۲ درصد آن (۱۱۷۸۸ نفر) مردسرپرست و ۸/۸ درصد مابقی (۱۱۳۷ نفر) زن سرپرست بوده است. درحالی که از ۱۸۶۶۵ خانوار شهری در نمونه‌گیری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۸، معادل ۸۸/۷۳ درصد (۱۶۵۶۱ نفر) مردسرپرست و ۱۱/۲۷ درصد (۲۱۰۴ نفر) زن سرپرست بوده است (جدول ۱). متوسط بعد خانوار شهری در سال ۱۳۸۴ معادل ۴/۱۹ نفر و در سال ۱۳۸۸ معادل ۳/۹۳ نفر بوده است.

جدول ۱. تعداد و درصد سرپرستان خانوار برحسب جنس و گروه سنی درمناطق شهری ایران

جنس		مرد		زن		کل	
گروه سنی	تعداد	درصد از کل	تعداد	درصد از کل	تعداد	درصد از کل	
	سال ۱۳۸۴	کم‌تر از ۲۵ سال	۵۲۹	۴/۰۹	۲۶	۰/۲	۵۵۵
۲۶ تا ۳۵ سال		۲۹۸۸	۲۳/۱۲	۷۲	۰/۵۶	۳۰۶۰	۲۳/۶۷
۳۶ تا ۴۵ سال		۳۳۷۲	۲۶/۰۹	۱۸۷	۱/۴۵	۳۵۵۹	۲۷/۵۴
۴۶ تا ۵۵ سال		۲۴۸۰	۱۹/۱۹	۲۷۰	۲/۰۹	۲۷۵۰	۲۱/۲۸
۵۵ سال و بیشتر		۲۴۱۹	۱۸/۷۲	۵۸۲	۴/۵	۳۰۰۱	۲۳/۲۲
کل	۱۱۷۸۸	۹۱/۲	۱۱۳۷	۸/۸	۱۲۹۲۵	۱۰۰	
سال ۱۳۸۸	کم‌تر از ۲۵ سال	۵۰۳	۲/۶۹	۳۵	۰/۱۹	۵۳۸	۲/۸۸
	۲۶ تا ۳۵ سال	۳۶۸۰	۱۹/۷۲	۱۴۵	۰/۷۸	۳۸۲۵	۲۰/۴۹
	۳۶ تا ۴۵ سال	۴۵۴۷	۲۴/۳۶	۲۹۵	۱/۵۸	۴۸۴۲	۲۵/۹۴
	۴۶ تا ۵۵ سال	۳۸۷۶	۲۰/۷۷	۴۶۵	۲/۴۹	۴۳۴۱	۲۳/۲۶
	۵۵ سال و بیشتر	۳۹۵۵	۲۱/۱۹	۱۱۶۴	۶/۲۴	۵۱۱۹	۲۷/۴۳
کل	۱۶۵۶۱	۸۸/۷۳	۲۱۰۴	۱۱/۲۷	۱۸۶۶۵	۱۰۰	

مأخذ: محاسبات انجام شده بر روی ریزداده‌های طرح هزینه درآمد خانوار شهری در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸

براساس ارقام مندرج در جدول ۱، در سال ۱۳۸۴ اکثر مردان سرپرست خانوار در گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال قرار داشته‌اند درحالی‌که این گروه سنی برای زنان ۵۵ سال و به بالا بوده است. هم‌چنین در این بررسی، اکثر سرپرستان خانوار (در کل) در گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال (حدود ۲۸ درصد) و اقلیت آن در گروه سنی کم‌تر از ۲۵ سال (حدود ۴ درصد) قرار داشته‌اند. از کل سرپرستان خانوار ۱۰۳۴۰ نفر (۸۰ درصد) باسواد و ۲۵۸۵ نفر (۲۰ درصد) بی‌سواد بوده‌اند (جدول ۲).

هم‌چنین براساس جدول ۱ در سال ۱۳۸۸ همانند سال ۱۳۸۴ بیش‌تر سرپرستان خانوار در گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال (حدود ۲۶ درصد) و کم‌ترین آن‌ها در گروه سنی کم‌تر از ۲۵ سال (حدود ۳ درصد) قرار دارند. در مورد وضعیت سواد آنان می‌توان گفت ۷۷/۲۲ درصد (۱۴۴۱۴ نفر) از سرپرستان خانوار باسواد و ۲۲/۷۸ درصد (۴۲۵۱ نفر) بی‌سوادی هستند. طبق جدول ۲ در هر دو سال بررسی، اکثر سرپرستان خانوار در نمونه مورد مطالعه دارای تحصیلات کم‌تر از دیپلم هستند.

جدول ۲. وضعیت سواد سرپرستان خانوار برحسب جنس و گروه تحصیلی در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸

جمع		زن		مرد		جنس گروه تحصیلی	سال ۱۳۸۴
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۲۰	۲۵۸۵	۵/۱۶	۶۶۷	۱۴/۸۴	۱۹۱۸	بی‌سواد	
۳۰/۰۱	۳۸۷۹	۲/۲۱	۲۸۶	۲۷/۸	۳۵۹۳	ابتدایی	
۱۶/۲۲	۲۰۹۷	۰/۳۶	۴۷	۱۵/۸۶	۲۰۵۰	سیکل	
۱۹/۸۴	۲۵۶۴	۰/۶۳	۸۱	۱۹/۲۱	۲۴۸۳	دیپلم	
۴/۱۹	۵۴۱	۰/۱۲	۱۵	۴/۰۷	۵۲۶	کاردانی	
۷/۸	۱۰۰۸	۰/۲۹	۳۸	۷/۵	۹۷۰	کارشناسی	
۱/۲	۱۵۵	۰/۰۲	۲	۱/۱۸	۱۵۳	کارشناسی ارشد	
۰/۵۳	۶۸	۰/۰۱	۱	۰/۵۲	۶۷	دکتری	
۰/۲۲	۲۸	۰	—	۰/۲۲	۲۸	نامشخص	
۱۰۰	۱۲۹۲۵	۸/۸	۱۱۳۷	۹۱/۲	۱۱۷۸۸	کل	

جمع		زن		مرد		جنس	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	گروه تحصیلی	
۲۲/۷۸	۴۲۵۱	۶/۹۹	۱۳۰۵	۱۵/۷۸	۲۹۴۶	بی سواد	
۱۰/۱۴	۱۸۹۲	۱/۱۸	۲۲۱	۸/۹۵	۱۶۷۱	ابتدایی	
۳۸/۳۲	۷۱۵۲	۲/۰۷	۳۸۶	۳۶/۲۵	۶۷۶۶	سیکل	
۱۵/۴۲	۲۸۷۹	۰/۵۷	۱۰۶	۱۴/۸۶	۲۷۷۳	دیپلم	
۴/۷	۸۷۷	۰/۱۸	۳۴	۴/۵۲	۸۴۳	کاردانی	
۷/۲۴	۱۳۵۲	۰/۲۵	۴۶	۷	۱۳۰۶	کارشناسی	
۰/۹۹	۱۸۵	۰/۰۲	۳	۰/۹۸	۱۸۲	کارشناسی ارشد	
۰/۳۴	۶۳	۰/۰۱	۱	۰/۳۳	۶۲	دکتری	
۰/۰۸	۱۴	۰/۰۱	۲	۰/۰۶	۱۲	نامشخص	
۱۰۰	۱۸۶۶۵	۱۱/۲۷	۲۱۰۴	۸۸/۷۳	۱۶۵۶۱	کل	

مأخذ: محاسبات انجام شده بر ریز داده‌های طرح هزینه درآمد خانوار شهری در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸

وضعیت زناشویی و فعالیت سرپرستان خانوار

در جدول ۳ وضعیت زناشویی و فعالیت سرپرستان خانوار به تفکیک جنس ارائه شده است. براساس اطلاعات مندرج، از بین خانوارهای زن سرپرست در سال ۱۳۸۴، تنها ۱۱/۱۶ درصد آن‌ها دارای همسر هستند و مابقی یا همسران خود را بر اثر طلاق یا فوت از دست داده‌اند و یا هرگز ازدواج نکردند. هم‌چنین تنها ۲۲/۸۳ درصد از زنانی که حتی با وجود داشتن همسر سرپرستی خانوار را برعهده می‌گیرند دارای شغلی برای گذران زندگی می‌باشند. در مورد زنان سرپرست خانوار بدون همسر نیز تنها ۱۳/۴۶ درصد دارای شغل می‌باشند. برای سال ۱۳۸۸ نیز می‌توان گفت که ۱۲/۳ درصد خانوارهای زن سرپرست، دارای همسر و حدود ۲۰ درصد زنان دارای همسر شغلی برای خود دارند. برای سایر خانوارهای زن سرپرست می‌توان گفت که در حدود ۱۱ درصد آنان شاغل می‌باشند که نسبت به سال ۱۳۸۴ با کاهش روبه رو بوده است. برای خانوارهایی با سرپرستی مرد در

سال ۱۳۸۸ حدود ۷۷ درصد شاغل هستند که در مقایسه با ۸۳ درصد سال ۱۳۸۴ با کاهش مواجه بوده‌ایم.

جدول ۳. وضع زناشویی و وضع فعالیت (نفر) سرپرستان خانوار شهری در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸

کل	سایر		خانه دار		محصل		درآمد بدون کار		بی‌کار (جویای کار)		شاغل		وضع فعالیت
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	وضع زناشویی
۱۱۵۳۸	۱۲۵	۱	۳	۳۴	۹	—	۱۵۱۸	۶۲	۲۳۷	۱	۹۵۱۹	۲۹	دارای همسر
۱۰۸۰	۱۳	۴	۷	۱۱۸	—	۲	۹۸	۶۹۱	۳	۲	۴۵	۹۷	بی همسر بر اثر فوت
۷۸	۱	—	—	۴	—	—	۶	۲۵	۱	—	۱۵	۲۶	بی همسر بر اثر طلاق
۲۲۹	۲	—	۱	۱	۳۵	۱۳	۱۱	۱۴	۱۲	—	۱۲۷	۱۳	هرگز ازدواج نکرده
۱۲۹۲۵	۱۴۱	۵	۱۱	۱۵۷	۴۴	۱۵	۱۶۳۳	۱۹۲	۲۵۳	۳	۹۷۰۶	۱۶۵	کل
۱۶۲۶۳	۱۷۱	۱	۲	۴۶	۶	—	۲۹۰۹	۱۵۸	۴۱۶	۲	۱۲۵۰۰	۵۲	دارای همسر
۱۹۴۲	۸	۱۴	۹	۹۵	—	—	۱۹۷	۱۴۲۲	۱	۴	۵۸	۱۳۴	بی همسر بر اثر فوت
۱۵۵	—	—	—	۶	—	—	۱۶	۵۴	۷	۱	۲۹	۴۲	بی همسر بر اثر طلاق
۳۰۵	۳	۱	—	۱	۲۴	۸	۴۴	۳۶	۱۷	۱	۱۴۴	۲۶	هرگز ازدواج نکرده
۱۸۶۶۵	۱۸۲	۱۶	۱۱	۱۴۸	۳۰	۸	۳۱۶۶	۱۶۷۰	۴۴۱	۸	۱۲۱۳۱	۲۵۴	کل

مأخذ: محاسبات انجام شده بر ریز داده‌های طرح هزینه درآمد خانوار شهری در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸

روش تحقیق و یافته‌ها

برای تعیین وضعیت فقر خانوار به خط فقر نیاز داریم. در مطالعات متفاوت از فقر از خط فقر مطلق و یا نسبی استفاده می‌شود. در این مطالعه به منظور تفکیک خانوار فقر از غیر آن، از خط فقر نسبی و برای محاسبه آن نیز از روش ۵۰ و ۶۶ درصد میانگین هزینه

سرانه خانوار استفاده شده است. به این صورت که ابتدا با توجه به بعد خانوار، هزینه سرانه خانوار شهری را در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ محاسبه و پس از به دست آوردن ۶۶ درصد متوسط این هزینه، آن را به عنوان خط فقر در نظر گرفتیم. تعیین ۵۰ درصد و یا ۶۶ درصد اختیاری و تجربی است. هر محقق می‌تواند آن را در مطالعه خود تعیین نماید (خدادادکاشی و همکاران، ۱۳۸۱؛ ارضروم چیلر، ۱۳۸۴؛ نجم، ۱۳۸۶).

جدول ۴. خط فقر سالانه محاسبه شده براساس ۶۶ درصد میانگین هزینه سرانه خانوار

ریال	سال
۱۰۳۰۳۳۴۳	۱۳۸۴
۱۶۲۹۶۶۳۵	۱۳۸۸

منبع: محاسبات تحقیق

با محاسبه خط فقر (ارقام مندرج در جدول ۴) و مقایسه آن با هزینه سرانه هر خانوار، نمونه را به دو گروه فقیر و غیر آن تفکیک نمودیم. براساس این جداسازی، ۴۵/۱۶ درصد خانوار نمونه در سال ۱۳۸۴ فقیر محسوب می‌شدند درحالی‌که این رقم برای سال ۱۳۸۸ معادل ۴۲/۷۶ درصد بوده است.

جدول ۵. اندازه فقر در مناطق شهری ایران براساس خط فقر نسبی (درصد)

سال	اندازه فقر
۱۳۸۴	۴۵/۱۶
۱۳۸۸	۴۲/۷۶

منبع: محاسبات تحقیق

بعد از محاسبه خط فقر سرانه و شناسایی خانوار فقیر، جهت واکاوی بیشتر، به بررسی ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی این گروه می‌پردازیم (جداول ۶ الی ۱۱).

جدول ۶. درصد خانوارهای فقیر در مناطق شهری ایران به تفکیک گروه سنی

گروه سنی	۱۳۸۴	۱۳۸۸
کمتر از ۲۵ سال	۴/۲۵	۲/۹۸
۲۶ تا ۳۵ سال	۲۴/۰۴	۲۰/۷۵
۳۶ تا ۴۵ سال	۲۷/۷۷	۲۷/۳۶
۴۶ تا ۵۵ سال	۲۰/۷۵	۲۲/۴۱
۵۵ سال به بالا	۲۳/۲	۲۶/۵

منبع: محاسبات تحقیق

بر طبق جدول ۶ در هر دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ تجمع خانوار فقیر در گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال است. هرچند که درصد گروه‌ها در دو سال تغییر نموده است. این درصد در گروه سنی کم‌تر از ۴۶ سال در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۸۴ کاهش یافته است درحالی‌که در بقیه گروه‌های سنی شاهد افزایش این درصد بوده‌ایم.

در سال ۱۳۸۴ با افزایش سن، درصد افراد فقیر از کل فقرا ابتدا افزایش می‌یابد و بعد از رسیدن به نقطه اوج در گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال شروع به کاهش می‌کند اما در گروه سنی ۵۵ سال به بالا دوباره افزایش می‌یابد. این مورد در سال ۱۳۸۸ نیز مشاهده شده است. تعمق بیش‌تر حاکی از آن است که افرادی که در گروه سنی ۵۵ به بالا قرار دارند افرادی هستند که وارد دوران بازنشستگی و یا ازکار افتادگی شده‌اند و نیاز به پوشش جدی بیمه تأمین اجتماعی و سایر بیمه‌ها دارند.

براساس جدول ۷ در هر دو سال مورد بررسی، ورود به مقاطع بالای تحصیلی با کاهش درصد فقرا همراه بوده است و به همین دلیل انتظار داریم افزایش سطح سواد یکی از علت‌های کاهش فقر باشد.

جدول ۷. درصد خانوارهای فقیر در مناطق شهری ایران به تفکیک گروه تحصیلی

گروه تحصیلی	۱۳۸۴	۱۳۸۸
بی سواد	۲۹/۳۱	۳۲/۳۳
ابتدایی	۳۷/۰۷	۱۲/۰۱
سیکل	۱۶/۴۳	۴۱/۰۲
دیپلم	۱۲/۸۳	۱۰/۰۶
کاردانی	۱/۷۵	۱/۷۲
کارشناسی	۱/۸۷	۲/۰۲
کارشناسی ارشد	۰/۲۶	۰/۱۱
دکتری	۰/۱۴	۰/۱
نامشخص	۰/۳۴	۰/۰۹

منبع: محاسبات تحقیق

بعد خانوار در جدول ۸ ارائه شده است. براساس محاسبات انجام شده، در هر دو سال مورد بررسی اکثریت افراد فقیر در خانوارهای پنج نفره و بیش تر زندگی می کنند.

جدول ۸. درصد خانوارهای فقیر در مناطق شهری ایران به تفکیک بعد خانوار

بعد خانوار	۱۳۸۴	۱۳۸۸
یک و دو نفره	۹/۵۳	۱۱/۳۷
سه و چهارنفره	۳۹/۶۱	۴۲/۳۵
پنج نفره و بیش تر	۵۰/۸۷	۴۶/۲۷

منبع: محاسبات تحقیق

در جدول ۹ وضع فعالیت سرپرستان خانوار ارائه شده است. با توجه به ارقام مندرج در این جدول، بیش ترین درصد سرپرستان خانوار فقیر شاغل هستند اما این درصد در سال ۸۸ نسبت به سال ۸۴ کاهش یافته است.

جدول ۹. درصد خانوارهای فقیر در مناطق شهری ایران به تفکیک وضع فعالیت

وضع فعالیت	۱۳۸۴	۱۳۸۸
شاغل	۷۶/۱	۷۰/۱۷
بی‌کار (جویای کار)	۲/۷۶	۳/۳۳
دارای درآمد بدون کار	۱۷/۵۹	۲۳/۷۵
محصل	۰/۳۳	۰/۱۴
خانه دار	۱/۵۹	۱/۰۳
سایر	۱/۶۳	۱/۵۸

منبع: محاسبات تحقیق

وضعیت زناشویی خانوار فقیر در جدول ۱۰ درج شده است. این بررسی نشان می‌دهد که اکثریت خانوار فقیر دارای همسر هستند.

جدول ۱۰. درصد خانوارهای فقیر در مناطق شهری ایران به تفکیک وضع زناشویی

وضع زناشویی	سال	۱۳۸۴	۱۳۸۸
دارای همسر		۹۰/۲۳	۸۸/۱۷
بی همسر بر اثر فوت		۸/۱۲	۹/۸۵
بی همسر بر اثر طلاق		۰/۵۱	۰/۷۸
هرگز ازدواج نکرده		۱/۱۳	۲/۲

منبع: محاسبات تحقیق

به منظور تصویر روشن‌تری از فقر، درصد خانوار فقیر به تفکیک مناطق در جدول ۱۱ ارائه شده است. نتایج مندرج حاکی از آن است که در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ کم‌ترین درصد خانوارهای فقیر در جنوب و بیش‌ترین آن‌ها در غرب ساکن هستند.

جدول ۱۱. درصد خانوارهای فقیر در مناطق شهری ایران به تفکیک مناطق*

سال ۱۳۸۸	سال ۱۳۸۴	منطقه جغرافیایی
۱۱/۳۴	۱۳/۴۵	شمال: گیلان، مازندران، گلستان، اردبیل
۱۱/۱۷	۹/۶۶	جنوب: خوزستان، فارس، بوشهر و هرمزگان
۲۲/۹۴	۲۵/۲۹	مرکز: مرکزی، اصفهان، سمنان، یزد، تهران، قم و قزوین
۲۹/۲۶	۳۲/۶۷	غرب: آذربایجان شرقی و غربی، کرمانشاه، کردستان، همدان، چهارمحال و بختیاری، لرستان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و زنجان
۲۵/۲۹	۱۸/۹۳	شرق: خراسان، سیستان و بلوچستان و کرمان

منبع: محاسبات تحقیق

* تقسیم‌بندی منطقه‌ای استان‌ها براساس مشابهت اقلیمی صورت گرفته است (عرب مازار و همکاران، ۱۳۸۳).
 جداول ۱۲ الی ۱۶ تصویر دیگری از خانوارها در وضعیت فقر ارائه می‌دهند.

جدول ۱۲. سهم سرپرستان خانوار فقیر از کل برحسب مقاطع تحصیلی در مناطق شهری ایران

۱۳۸۸	۱۳۸۴	گروه تحصیلی
۶۰/۷۲	۶۶/۱۹	بی سواد
۵۰/۶۹	۵۵/۷۹	ابتدایی
۴۵/۷۹	۴۵/۷۳	راهنمایی
۲۹/۳۹	۲۹/۲۱	دیپلم
۱۵/۶۲	۱۸/۸۵	کاردانی
۱۱/۹۱	۱۰/۸۱	کارشناسی
۴/۸۶	۹/۶۸	کارشناسی ارشد
۱۲/۷	۱۱/۷۶	دکتری
۵۰	۷۱/۴۳	نامشخص

منبع: محاسبات تحقیق

مطابق جدول ۱۲ در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ به ترتیب ۶۶/۲ و ۶۰/۷ درصد از سرپرستان خانوار بی سواد فقیر محسوب می شدند در حالی که در هر دو سال با افزایش سال های آموزش (به جز مقطع دکتری)، درصد افراد فقیر کاهش یافته است. در این صورت می توان آموزش را به عنوان یکی از عوامل خروج از فقر دانست.

جدول ۱۳. درصد فقرا برحسب بعد خانوار در مناطق شهری ایران

بعد خانوار	۱۳۸۴	۱۳۸۸
یک و دو نفره	۲۶/۸۳	۲۶/۹۴
سه و چهار نفره	۳۹/۰۸	۳۶/۸۸
پنج نفره و بیش تر	۶۰/۱۴	۶۰/۳

منبع: محاسبات تحقیق

همان طور که جدول ۱۳ نشان می دهد در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ حدود ۶۰ درصد از خانوارهای پنج نفر و بیش تر فقیر محسوب می شدند در حالی این درصد برای خانوار یک و دو نفره حدود ۲۷ درصد بوده است. بنابراین می توان انتظار داشت افزایش بعد خانوار می تواند از عوامل ورود خانوار به دایره فقر باشد.

در جدول ۱۴، تأثیر وضع فعالیت بر وضعیت فقر در مناطق شهری ایران ارائه شده است. براساس جدول مذکور در سال ۱۳۸۴ معادل ۴۵ درصد از شاغلین (۷۶/۱ درصد از کل نمونه شاغل بوده اند) فقیر محسوب شده اند. این رقم در سال ۱۳۸۸ معادل ۴۳/۱۴ درصد بوده است.

جدول ۱۴. سهم خانوار فقیر از کل برحسب وضع فعالیت در مناطق شهری ایران

وضع فعالیت	۱۳۸۴	۱۳۸۸
شاغل	۴۵	۴۳,۱۴
بیکار (جویای کار)	۶۲/۸۹	۲۴/۵۹
دارای درآمد بدون کار	۴۲/۳۵	۳۹/۲۱
محصل	۳۲/۲	۲۸/۹۵
خانه دار	۵۵/۳۶	۵۱/۵۷
سایر	۶۵/۰۷	۶۳/۶۴

منبع: محاسبات تحقیق

جدول ۱۵. سهم خانوار فقیر از کل برحسب وضع زناشویی در مناطق شهری ایران

وضع زناشویی	۱۳۸۴	۱۳۸۸
دارای همسر	۴۵/۶۵	۴۳/۲۸
بی همسر بر اثر فوت	۴۳/۸۹	۴۰/۴۷
بی همسر بر اثر طلاق	۳۸/۴۶	۴۰
هرگز ازدواج نکرده	۲۸/۸۲	۳۱/۴۸

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج محاسبات مندرج در جدول ۱۵ نشان می‌دهد که در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸، به ترتیب ۴۵/۶۵ درصد و ۴۳/۲۸ درصد از سرپرستان خانوار دارای همسر فقیر بوده‌اند. هم‌چنین سرپرستان خانواری که ازدواج نکرده‌اند کم‌ترین درصد فقرا را در گروه خود جای داده‌اند.

جدول ۱۶. سهم خانوار فقیر از کل خانوار هر منطقه جغرافیایی در ایران

منطقه جغرافیایی	سال ۱۳۸۴	سال ۱۳۸۸
شمال: گیلان، مازندران، گلستان، اردبیل	۴۳/۲۵	۳۸/۷۲
جنوب: خوزستان، فارس، بوشهر و هرمزگان	۴۰/۵۸	۳۷/۹۰
مرکز: مرکزی، اصفهان، سمنان، یزد، تهران، قم و قزوین	۳۷/۲۷	۳۶/۷۰
غرب: آذربایجان شرقی و غربی، کرمانشاه، کردستان، همدان، چهارمحال و بختیاری، لرستان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و زنجان	۵۰/۳۲	۴۲/۹۴
شرق: خراسان، سیستان و بلوچستان و کرمان	۵۶/۰۹	۵۷/۹۱

منبع: محاسبات تحقیق

جدول ۱۶ نشان دهنده آن است که درصد خانوارهای فقیر از کل خانوار همان منطقه به استثنای مناطق شرقی کشور، در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۸۴ کاهش یافته است. هم‌چنین کم‌ترین و بیش‌ترین درصد خانوارهای فقیر در هر منطقه به ترتیب مربوط به

خانوارهای ساکن مرکز و شرق کشور است در حالی بیشترین درصد خانوار فقیر در هر منطقه در غرب کشور سکونت داشته‌اند. به عبارتی حدود ۵۶ و ۵۸ درصد از خانوارهای ساکن در غرب کشور در دو سال مورد مطالعه در زمره فقرا قرار داشته‌اند.

بعد از پردازش اولیه ریزداده‌های طرح هزینه درآمد خانوارهای شهری ایران و توصیف آن در جداول ارائه شده، در ادامه به بررسی تعیین کننده‌های فقر با استفاده از مدل اقتصادسنجی پرداخته می‌شود تا تأثیر ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی خانوار بر احتمال قرارگرفتن خانوار در دایره فقر بررسی شود.

در این مطالعه، با توجه به این که متغیر وابسته، دو حالت فقیر بودن یا نبودن خانوار را نشان می‌دهد، از مدل لاجیت استفاده شده است. بنابراین بعد از محاسبه خط فقر، اگر مخارج سرانه خانوار کم‌تر از آن باشد، خانوار فقیر تلقی می‌شود ($Y = 1$) و در غیر این صورت، خانوار فقیر نیست ($Y = 0$).

با در نظر گرفتن تابع لجستیک، احتمال فقیر بودن خانوارها را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$P(Y_i = 1) = \frac{e^{X_i\beta}}{1 + e^{X_i\beta}} \quad (1)$$

در رابطه (۱)، Y_i یک متغیر وابسته دوتایی است که فقر را اندازه‌گیری می‌کند. بردار پارامترهای مدل است که باید مورد برآورد قرار گیرد و X_i بردار متغیرهای توضیحی است. در این صورت، اثر جزئی ناشی از تغییر یک واحدی هر یک از متغیرهای مستقل را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$\frac{\partial P(Y=1)}{\partial X_i} = \frac{e^{X_i\beta}}{[1 + e^{X_i\beta}]^2} \beta_k \quad (2)$$

برخلاف مدل‌های خطی، در این جا اثر نهایی^۱ ثابت نبوده و در محدوده تغییر متغیرهای مستقل، مقادیر مختلفی را داراست. برآورد مدل لاجیت به این صورت، به دلیل این که

1- Marginal effect

نسبت به پارامترها، غیر خطی است، به سادگی میسر نیست. به همین دلیل با انجام تغییراتی آن را به صورت خطی تبدیل نموده و مورد برآورد قرار می دهند. در این راستا، اگر تابع مورد نظر به صورت رابطه ۳ باشد:

$$Y_i = \frac{e^{X_i\beta}}{1 + e^{X_i\beta}} \quad (3)$$

خواهیم داشت:

$$\frac{1}{Y_i} = \frac{1 + e^{X_i\beta}}{e^{X_i\beta}} = 1 + \frac{1}{e^{X_i\beta}} \quad (4)$$

$$\rightarrow \frac{1}{Y_i} - 1 = \frac{1}{e^{X_i\beta}} \rightarrow \frac{1 - Y_i}{Y_i} = \frac{1}{e^{X_i\beta}} \rightarrow \frac{Y_i}{1 - Y_i} = e^{X_i\beta}$$

با لگاریتم گیری از طرفین رابطه ۴، خواهیم داشت:

$$\ln\left(\frac{Y_i}{1 - Y_i}\right) = X_i\beta = x_{i1}\beta_1 + x_{i2}\beta_2 + \dots \quad (5)$$

$$\rightarrow Y^* = X\beta$$

به این ترتیب تابع لجستیک به یک تابع خطی تبدیل می شود.

در وجود یا عدم وجود فقر، مجموعه ای از عوامل مؤثرند که اگر آن ها به صورت بردار X نشان داده شوند، می توان رابطه زیر را نوشت:

$$Y_i = X_i\beta + U_i \quad (6)$$

با نگاهی مجدد به متغیر وابسته رابطه (۴)، از آن جا که Y_i احتمال فقیر بودن خانوار

أم را نشان می دهد، $1 - Y_i$ احتمال فقیر نبودن خانوار را نشان می دهد. در نتیجه $\frac{Y_i}{1 - Y_i}$

نسبت احتمال فقیر بودن به فقیر نبودن را نشان می دهد. بر این اساس در رابطه (۵)، $\frac{\partial Y^*}{\partial X_i}$

حاکمی از درصد تغییر شانس فقیر شدن خانوار به فقیر نبودن آن به ازای یک واحد تغییر

X_i است. U_i جمله خطا است که تابع توزیع تجمعی نرمال دارد.

متغیرهای توضیحی مورد مطالعه به شرح ذیل است:

بعد خانوار (نفر)، و سن سرپرست خانوار (سال) می‌باشد. مجذور سن که به عنوان متغیر کنترل وارد مدل شده است. انتظار می‌رود که رابطه سن و احتمال قرارگیری در فقر U معکوس باشد. زیرا در سال‌های جوانی و قبل از میان‌سالی انتظار کسب درآمد بیش‌تر می‌رود. براساس مبانی نظری (Mincer, 1958) و در بسیاری از مطالعات تجربی (Moke et al., 2007) رابطه سن و درآمد U وارونه است. از آن‌جاکه در مطالعه حاضر متغیر وابسته فقیر بودن در مقابل غیر آن است بنابراین انتظار برآوردی U شکل را داریم.

جنسیت سرپرست خانوار به صورت مرد (۱) و زن (۰) و نحوه تصرف ملک به صورت مالک (۱) و مستأجر (۰) وارد مدل گردیدند. سطح سواد سرپرست خانوار که به ۸ گروه بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی، دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تقسیم گردید و برای هر گروه متغیر مجازی در نظر گرفته شد. به عنوان مثال، در صورتی که سرپرست خانوار دارای تحصیلات در مقطع ابتدایی باشد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شد. سطح سواد سرپرست خانوار به‌عنوان شاخصی از سرمایه انسانی در مدل لحاظ شده است. براساس مبانی نظری (Mincer, 1958) و تجربی انتظار تأثیر مثبت سرمایه انسانی بر درآمد و از این رو کاهش فقر می‌رود.

هم‌چنین ۴ متغیر مجازی برای پنج منطقه شمال، جنوب، مرکز، غرب و شرق در نظر گرفته شد.

جدول ۱۷ نتایج حاصل از برآورد مدل لاجیت به روش حداکثر درست‌نمایی برای دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ است. براساس نتایج، در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ متغیرهای بعد خانوار، جنس و سن سرپرست خانوار، سطح سواد سرپرست خانوار، نحوه تصرف ملک و سکونت براساس منطقه جغرافیایی (به جز سکونت در شمال برای سال ۱۳۸۸) اثرات معناداری بر احتمال قرارگیری خانوار در فقر دارند.

جدول ۱۷. نتایج برآورد مدل لاجیت به روش حداکثر درست نمایی و اثر نهایی تغییر در متغیرهای توضیحی

بر احتمال قرارگیری خانوار شهری ایران در گروه فقرا

سال ۱۳۸۸			سال ۱۳۸۴			متغیر
اثر نهایی dy/dx	$p[z > z]$	ضریب برآورد شده	اثر نهایی dy/dx	$p[z > z]$	ضریب برآورد شده	
۰/۱۱۹۵	۰/۰۰۰	۰/۴۹۳۹	۰/۱۱۶۱	۰/۰۰۰	۰/۴۷۱۳	بعد خانوار
-۰/۰۳۹۳	۰/۰۰۷	-۰/۱۶۰۹	-۰/۰۴۲۰	۰/۰۳۲	-۰/۱۶۹۷	جنس سرپرست
-۰/۰۳۸۸	۰/۰۰۰	-۰/۱۶۰۷	-۰/۰۳۸۲	۰/۰۰۰	-۰/۱۵۵۴	سن (سال)
۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱۲	توان دوم سن
-۰/۲۲۹۳	۰/۰۰۰	-۱/۰۰۹۶	-۰/۲۲۲۶	۰/۰۰۰	-۰/۹۴۸۶	ابتدایی
-۰/۳۱۱۸	۰/۰۰۰	-۱/۵۱۸۹	-۰/۳۱۶۷	۰/۰۰۰	-۱/۴۹۶۳	راهتمایی
-۰/۳۲۲۱	۰/۰۰۰	-۲/۰۸۷۰	-۰/۴۲۳۲	۰/۰۰۰	-۲/۱۵۴۷	دیپلم
-۰/۳۹۹۲	۰/۰۰۰	-۲/۸۵۷۷	-۰/۴۱۴۵	۰/۰۰۰	-۲/۷۵۳۰	کاردانی
-۰/۴۳۳۰	۰/۰۰۰	-۳/۲۰۹۱	-۰/۴۷۰۹	۰/۰۰۰	-۳/۳۷۸۳	کارشناسی
-۰/۴۰۸۸	۰/۰۰۰	-۴/۱۵۵۵	-۰/۴۲۲۵	۰/۰۰۰	-۳/۳۹۹۷	کارشناسی ارشد
-۰/۳۷۲۰	۰/۰۰۰	-۲/۸۱۴۹	-۰/۴۰۷۶	۰/۰۰۰	-۳/۰۷۸۶	دکتری
-۰/۰۷۰۸	۰/۰۰۰	-۰/۲۹۰۶	-۰/۰۹۶۲	۰/۰۰۰	-۰/۳۸۹۰	نحوه تصرف ملک
۰/۰۲۱۵	۰/۱۲۴	۰/۰۸۸۵	۰/۰۷۰۱۰	۰/۰۰۰	۰/۲۸۲۳	سکونت در شمال
-۰/۰۷۳۱	۰/۰۰۰	-۰/۳۱۰۱	-۰/۰۴۸۱	۰/۰۰۰	-۰/۱۹۷۷	سکونت در جنوب
۰/۰۱۹۸	۰/۰۷۱	۰/۰۸۱۷	۰/۰۷۸۰	۰/۰۰۶	۰/۳۱۵۲	سکونت در غرب
۰/۱۷۶۷	۰/۰۰۰	۰/۷۱۷۹	۰/۱۳۲۰	۰/۰۰۰	۰/۵۳۱۷	سکونت در شرق
۳/۶۵۰۸	۰/۰۰۰	۳/۶۵۰۸	۳/۵۳۹۰	۰/۰۰۰	۳/۵۵۹۰	ثابت
Loglikelihood = -۱۰۳۸۷/۶۴۲ Pseudo R ^۲ = ۰/۱۸۴۸ LR chi ^۲ (۱۶) = ۴۷۰۸/۲۵ Prob > chi ^۲ = ۰/۰۰۰ McFadden R ^۲ = ۰/۱۸۵ Observation = ۱۸۶۵			Loglikelihood = -۷۱۵۸/۷۲۹۳ Pseudo R ^۲ = ۰/۱۹۵۵ LR chi ^۲ (۱۶) = ۳۴۷۹/۱۲ Prob > chi ^۲ = ۰/۰۰۰ McFadden R ^۲ = ۰/۱۵۵ Observation = ۱۲۹۲۵			

منبع: نتایج حاصل از برآورد مدل

تمامی ضرایب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار هستند و آماره نسبت درست نمایی (LR) نشان دهنده معنی داری کل رگرسیون است. اهم نتایج به شرح ذیل است:

- بعد خانوار رابطه مثبت با فقر دارد. به طوری که در سال ۱۳۸۴، با افزایش بعد خانوار، احتمال قرارگیری خانوار در دایره فقر ۱۱/۶۱ درصد افزایش می‌یافت. در حالی که این احتمال برای خانوار در سال ۱۳۸۸، اندکی بیش‌تر و معادل ۱۱/۹۵ درصد بوده است.
- مردسرپرست بودن نسبت به زن‌سرپرست بودن اثر منفی بر فقر دارد به طوری که در سال ۱۳۸۴ مرد سرپرست بودن خانوار، احتمال قرارگیری در فقر را به میزان ۴/۲ درصد کاهش می‌داد که این رقم در سال ۱۳۸۸ به ۳/۹ درصد کاهش یافت و این خود می‌تواند نشان‌گر کاهش فقر در میان زنان سرپرست خانوار در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۸۴ باشد.
- به دلیل ورود متغیر سن و مجذور آن، سن سرپرست خانوار اثر دوگانه‌ای بر احتمال قرارگیری در فقر خانوار دارد. ابتدا با افزایش سن سرپرست، شانس فقیر شدن خانوار کاهش می‌یابد. اما با افزایش سن، احتمال قرارگیری خانوار در فقر به دلیل فرارسیدن سال‌های کهولت و بازنشستگی افزایش می‌یابد. درحقیقت رابطه سن سرپرست خانوار و احتمال قرارگیری در فقر یک U وارونه است.
- افزایش سال‌های آموزش سرپرستان خانوار و ورود آنان به مقاطع تحصیلی بالاتر، شانس فقیر شدن آنان را نسبت به سرپرستان بی‌سواد کاهش می‌دهد. به طوری که در سال ۱۳۸۴، سرپرستان خانواری که در مقطع تحصیلی ابتدایی آموزش دیده بودند نسبت به سرپرستان بی‌سواد به میزان ۲۲/۲۶ درصد احتمال قرارگیری در فقرشان کاهش یافته بود که این احتمال در سال ۱۳۸۸، به ۲۲/۹۳ درصد رسیده بود. البته در مقاطع تحصیلی بالاتر از ابتدایی به جز مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری شاهد افزایش احتمال خروج از فقر در هر دو سال بوده‌ایم. هم‌چنین با مقایسه دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ دریافتیم که افزایش سال‌های آموزش در سال ۱۳۸۴ نسبت به سال ۱۳۸۸ باعث خروج عده‌ی بیش‌تری از دایره فقر گردیده بود. به عبارت دیگر تأثیر تحصیل در مقاطع عالی بر خروج از فقر در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۸۴ کاهش یافت. این نتیجه می‌تواند به

- دلیل انبوه فارغ‌التحصیلان آموزش عالی و نیافتن شغل این گروه از افراد در سال ۱۳۸۸ باشد که باید مورد توجه سیاست‌گذار اقتصادی قرار گیرد.
- مالک بودن محل سکونت ارتباط منفی با فقر دارد. احتمال خروج از فقر سرپرستان خانواری که صاحب خانه هستند نسبت به سرپرستان خانوار مستأجر برای سال ۱۳۸۴ به میزان ۹/۶ و در سال ۱۳۸۸ به میزان ۷ درصد بوده است.
 - براساس تقسیم‌بندی جغرافیایی صورت گرفته، سکونت در مناطق شمال، غرب و شرق احتمال قرارگیری در فقر را افزایش می‌دهد. این احتمال در سال ۱۳۸۸ در مقایسه با سال ۱۳۸۴، برای مناطق شمال و غرب کم‌تر شده است. اما برای منطقه شرق احتمال قرارگیری در فقر به میزان ۴ درصد افزایش یافته است. در مقابل سکونت در مناطق جنوبی کشور احتمال قرارگیری در فقر را به میزان ۴ درصد در سال ۱۳۸۴ و ۷ درصد در سال ۱۳۸۸ کاهش داده است.

بحث، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فقر پدیده نامطلوبی است که بشر را درگیر خود ساخته است. آسیب‌هایی اجتماعی ناشی از فقر نه تنها خانوار فقیر را از رشد باز می‌دارد بلکه کل جامعه نیز از گزند آن بی‌بهره نیستند. به منظور ریشه‌کنی فقر در جامعه باید سیاست‌های مناسبی اتخاذ گردد. اما مهم‌تر از درمان یک معضل، پیشگیری از عوامل به وجود آورنده آن است. بنابراین باید عواملی را که بر فقر تأثیر گذاشته و باعث گسترش دامنه فقر می‌گردند شناسایی گردند. به همین منظور در این تحقیق با استفاده از ریزداده‌های طرح هزینه - درآمد خانوار مرکز آمار ایران سعی در شناسایی عوامل مؤثر بر فقر در سال‌های اول و آخر برنامه چهارم توسعه را داشتیم.

داده‌های این طرح شامل ۱۲۹۲۵ خانوار شهری در سال ۱۳۸۴ و ۱۸۶۶۵ خانوار شهری در سال ۱۳۸۸ بوده است. اکثر خانوار نمونه مرد سرپرست و در گروه سنی ۳۶-۴۵ سال قرار داشتند. هم‌چنین درصد بالایی از سرپرستان خانوار باسواد و شاغل بودند.

برای تعیین وضعیت فقر در بین خانوارهای مورد مطالعه، بعد از محاسبه خط فقر با استفاده از روش ۶۶ درصد میانگین هزینه سرانه خانوار شهری، هزینه سرانه هر خانوار با خط فقر به دست آمده مقایسه گردید که براساس آن، ملاحظه گردید درصد افراد فقیر در سال آخر برنامه چهارم توسعه نسبت به سال اول با کاهش روبه‌رو بوده است.

بعد از شناسایی خانوار فقیر و تقسیم‌بندی نمونه مورد بررسی به دو گروه فقیر و غیر آن، به توصیف آماری خانوار فقیر براساس خصوصیات اقتصادی اجتماعی آنان پرداختیم. در این تقسیم‌بندی دریافتیم که خانوارهایی که در گروه سنی ۴۵-۳۶ سال قرار دارند، هم‌چنین خانوارهای با جمعیت پنج نفره و بیش‌تر و خانوارهایی که سرپرست بی‌سواد یا دارای تحصیلات پایین هستند در زمره فقرا می‌باشند. به علاوه اکثریت خانوارهای فقیر کشور در مناطق شرق و غرب کشور ساکن هستند.

قسمت دوم مطالعه به بررسی تعیین‌کننده‌های فقر با استفاده از مدل لاجیت و روش برآورد حداکثر درست‌نمایی اختصاص داده شد و اثر نهایی یک واحد تغییر در هر یک از متغیرهای توضیحی بر احتمال فقیر شدن خانوار برآورد گردید.

نتایج حاصل از برآورد نشان داد که افزایش بعد خانوار، زن سرپرست‌بودن و سکونت در شرق، غرب و شمال، احتمال قرارگیری خانوار در فقر را افزایش می‌دهد، درحالی‌که افزایش سطح سواد، مالک بودن و سکونت در جنوب باعث کاهش فقر در مناطق شهری کشور می‌شود.

براساس نتایج برآورد، بعد خانوار یکی از عوامل مهم در احتمال قرارگیری خانوار در فقر بوده است. با مقایسه سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ می‌توان اظهار نمود که افزایش بعد خانوار در سال ۱۳۸۸، باعث قرارگیری خانوار فقیر بیش‌تری در دایره فقر گردید. از این‌رو، اعمال سیاست‌های کنترل جمعیت برای متعادل ساختن بعد خانوار یکی از سیاست‌های ضروری در فقرزدایی است.

هم‌چنین برآورد مدل نشان داد که با افزایش سن سرپرستان خانوار، احتمال قرارگیری

در فقر افزایش می‌یابد. در این صورت ایجاد چتر حمایتی از قبیل بیمهٔ بازنشستگی و بیمهٔ درمانی برای این گروه از سرپرستان ضرورت می‌یابد.

زن سرپرست بودن خانوار از دیگر عوامل اثرگذار بر فقر است که در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۸۴ اثرگذاری آن بر احتمال قرارگیری بر فقر کاهش یافته است. بنابراین جهت امحاء فقر باید به این گروه توجه ویژه‌ای شود.

آموزش نیز از عوامل مؤثر در کاهش فقر بوده است. براساس نتایج، در هر دو سال، افزایش سال‌های تحصیل تعداد بیش‌تری را از گروه فقرا خارج ساخت. بنابراین با سرمایه‌گذاری بر روی آموزش می‌توان از انتقال فقر در بین نسل‌ها جلوگیری کرد. البته به دلیل کاهش تأثیر تحصیلات عالی بر خروج از فقر در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۸۴ بهتر است افزایش سطوح تحصیل همراه با فراهم آوردن فرصت‌های شغلی بیش‌تر برای فارغ‌التحصیلان آموزش عالی باشد تا این افراد بتوانند از توانایی‌های خود استفاده کنند.

- ارضروم چیلر، نسرین، (۱۳۸۴)، «ابعاد گوناگون فقر»، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۲۷.
- آسایش، حسین، (۱۳۷۶)، «فقر و راهبردهایی برای کاهش آن: بررسی پدیده فقر و محرومیت در ایران»، جهاد: ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، شماره ۱۹۶ و ۱۹۷، صفحات ۳-۷.
- ازکیا، محمد و احمد رضوانفر، (۱۳۸۰)، «تعیین کننده‌های اقتصادی - اجتماعی فقر در مناطق روستایی کلاله»، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۴، صفحات ۲۵۷-۲۸۰.
- پروین، سهیلا، (۱۳۷۶)، «علل و ریشه‌های فقر»، جهاد: ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، شماره ۱۹۶ و ۱۹۷، صفحات ۲۲-۲۵.
- پژوهان، جمشید، (۱۳۷۵)، «فقر، خط فقر و کاهش فقر»، مجله برنامه و بودجه، سال اول، شماره ۲، صفحات ۵-۲۳.
- پیران، پرویز، (۱۳۷۵)، «نگاهی به مفاهیم فقر و فقرزدایی»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۰۷ و ۱۰۸، صفحات ۱۰۰-۱۰۹.
- حسن‌زاده، علی، (۱۳۷۹)، «بررسی عوامل مؤثر بر فقر: مطالعه موردی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوره ۳، شماره ۴-۵، صفحات ۱۳۵-۱۸۳.
- خالدی، کوهسار و زورار پرمه، (۱۳۸۴)، «بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۸۲-۱۳۷۵)»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۴۹، صفحات ۵۷-۸۴.
- گالبرایت، جان کنت، (۱۳۶۹)، «ماهیت فقر عمومی»، ترجمه سید محمد حسین عادل، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم.
- عرب مازار، عباس و سید مرتضی حسینی‌نژاد، (۱۳۸۳)، «عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی در ایران»، جستارهای اقتصادی، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۶۷-۹۴.
- مهربانی، وحید، (۱۳۸۷)، «تأثیر آموزش بر فقر و نابرابری درآمدی»، تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۲، صفحات ۲۱۱-۲۲۵.
- مهریار، هوشنگ، (۱۳۷۳)، «فقر: تعریف و اندازه‌گیری آن»، مجله برنامه و توسعه، دوره ۲، شماره ۸، صفحات ۳۹-۸۸.

- نجفی، بهالدین و آشان شوشتریان، (۱۳۸۶)، «برآورد خط فقر، اندازه فقر و بررسی تعیین کننده‌های آن در خانوارهای شهری و روستایی ایران»، *مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال پانزدهم، شماره ۵۹، صفحات ۱-۲۴.
- نجم، لعیا، «محاسبه خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۸۵»، اداره تحقیقات و مطالعات آماری بانک مرکزی.
- مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران، ریز داده‌های طرح هزینه - درآمد خانوار شهری، به تفکیک سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸.
- محمدزاده، پرویز، فیروز فلاحی و صمد حکمتی فرید، «بررسی فقر و عوامل تعیین کننده آن در بین خانوارهای شهری کشور»، *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۱۳۸۹، شماره ۲، ۴۱-۶۴.
- Achia, T.N.O., A. Wangombe, N. Khadioli,(2010), "A Logistic Regression Model to Identify Key Determinants of Poverty Using Demographic and Health Survey Data", **European Journal of Social Science**, Volume 13,1, pp: 38-45.
- Geda, A., N. Jong, M. S. Kimenyi and G. Mwabu, (2005), "Determinants of Poverty in Kenya: A Household Level Analysis", **Department of Economics Working Paper Series**.
- Giavani, L.B, (2005), "Impacts of Policy on Poverty, The definition of Poverty", **FAO, Conceptual and Technical Material**", Module 004.
- Ghazouani, S. and M. Goaiad, (2001), "the Determinants of Urban and Rural Poverty in Tunisia".
- Lanjouw, P. and M. Ravallion,(1995), "Poverty and Household Size", *Economic Journal*, 105, 1415-1434.
- Malik, Sh.,(1996), "Determinants of Rural Poverty in Pakistan: A Micro Study", **The Pakistan Development Review**, 35: 2.PP 171-187.
- Malik, Sh. , I. Sh. Chaudhry and I. Hanif,(2012), " Analysis of Rural Poverty in Pakistan; Bi-Model Estimation of Some Selected Villages", **International Journal of Humanities and Social Science**, 2: 8.PP 73-80.
- Moke, T. Y, C. Gan and A. Sanyal, (2007), "the Determinants of Urban Household Poverty in Malaysia", **Journal of Social Sciences**, 3(4): 190-196.
- Okurut, F. N, Jonathan J. A. O, Odwee, A. Adebua,(2002), "Determinants of Regional Poverty in Uganda", AERC Research Paper 122, **African Economic Research Consortium**, Nairobi.
- Ravalion, M., (1998), "**Poverty Lines in Theory and practice**", World Bank, LSMS working paper, 1998, NO.133.

- Rowntree, B. S., (1901), **Poverty: a Study of Town Life**, London, Macmillan, p.48.
- Sadeghi J.M., M. Toodehroosta and A. Amini,(1998), “**Determinants of Poverty in Rural Areas: Case of Savejbolagh Farms in Iran**”, ERF Working Paper, 0112.
- Sen. A., (1983), “Poor Relatively Speaking”, **Oxford Economic Papers**, Vol.35, 153-169.
- Sohotu, S., (1990),” **Poverty Theory and Policy: a Study of Panama**”.
- Townsend, P., (1985), “A Sociological Approach to the Measurement of Poverty: a Rejoinder to Professor AmartyaSen”, **Oxford Economic Papers**, PP 659-668.
- Yassin, A.E, A. Salih and S. Gafar (2011), Poverty Alleviation in Sudan: The Case of Rank Country, ERF **Economic Research Forum**, working paper, No. 640.